

**در صورت بازگشت پرونده ایران  
از شورای امنیت به نهاد تخصصی و  
کمیته سیاسی آژانس، ایران آمادگی  
دارد تنها ظرف سه هفته هر آنچه  
البرادعی به آن نیاز دارد و همه  
پاسخ ها و دسترسی های تکمیلی را در  
اختیار تیم بازرسان او قرار دهد**



ایران برای اثبات حسن نیت و البته حقانیت خود، در زمینه اعتمادسازی، راه نرفته ای باقی نگذاشته است، از همکاری تمام عیار با آژانس اتمی گرفته تا مذاکره با طرف های اروپایی و حتی تعلیق فعالیت های هسته ای؛ اما آن گاه که ثابت شد قرائت غرب از تعلیق، توقف دائم غنی سازی اورانیوم است، ایران نیز در عمل قرائت خود از تعلیق داوطلبانه اعتمادساز را به منصفه ظهور رساند و این وظیفه ای بود که دولت نهم پیش از دیگران به عهده گرفت و زیر نظر مقام معظم رهبری آن را پیگیری و اجرا کرد.

نتیجه آن که امروز همه فعالیت های علمی و تحقیقاتی هسته ای کشور از اراک تا اصفهان و نطنز جریان دارد و البته طرف مقابل هم به اعمال فشار و جنگ روانی خود ادامه داده و با قطعنامه شورای امنیت به میدان آمده است. حربه ای که به اذعان ناظرین واقع بین داخلی و خارجی در نهایت شاید زیانناهی را متوجه ایران (و نیز خود آنها) سازد، اما فاقد تأثیر برای جلوگیری از پیشرفت علوم هسته ای در ایران خواهد بود.

به هر روی، دولت نهم بنا بر عهد رئیس جمهوری با مردم، برای کاستن از هزینه دستیابی کشور به فناوری هسته ای صلح آمیز (نه به معنای نپزداختن هزینه) همچنان راه مذاکره را باز گذاشته و رئیس جمهوری و دبیر شورای عالی امنیت ملی و دیگر مقام های کشور بارها ادامه مذاکرات هسته ای را به طرف های اروپایی به عنوان راه صواب معرفی کرده اند؛ منتها با علم به این که در این مذاکرات، قرائت غرب و اروپا (به معنای توقف دائم غنی سازی) هرگز محقق نخواهد شد.

**چرا دولت نهم بندهای تعلیق را گسست؟**

بر پیگیران امور پوشیده نیست که سابقه فعالیت هسته ای در ایران به دهه ۵۰ میلادی بازمی گردد. محمدرضا پهلوی برنامه هسته ای بلندنپروازانه ای داشت و آمریکا - نخستین مخالف خوان امروز - ایران را به حرکت در این مسیر ترغیب کرده و نخستین راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی آب سبک را به ایران فروخت. شرکت آمریکایی AMF این راکتور را در دانشگاه تهران نصب و راه اندازی کرد. به گفته مسئولین سازمان انرژی اتمی این راکتور از اورانیوم غنی شده با خلوص ۹۳ درصد استفاده می کرد و آمریکا پیش از وقوع انقلاب اسلامی حدود ۵ کیلوگرم سوخت اورانیوم غنی شده سطح بالا به ایران داده بود. با وقوع انقلاب و تغییر نگاه غرب به ایران، شرکت های آمریکایی و اروپایی حاضر به ادامه همکاری با ایران نشده و پایبندی و تعهد خود به استانداردهای دوگانه حاکم بر روابط بین الملل را ثابت کردند. از آن به بعد، ایران خود برنامه هسته ای را تحت نظارت آژانس اتمی ادامه داد و با اتکا به نیروی خود و جوانان این سرز و بوم در همه ابعاد دانش استراتژیک هسته ای به نتایج درخشانی رسید. در

اهداف نظامی سوق یافته و سابقه عملکرد آنها در این زمینه نیز مخدوش و مسأله دار است.

■ **تغییر ماهیت جدال هسته ای**

امروزه داور بین الملل موضوع که آژانس اتمی است، همچنین افکار عمومی جهانی، می داند که چه کسانی به سمت تولید سلاح رفته و کدام کشورها بدین سو حرکت نکرده اند، دیگر بر همگان حتی غربی ها روشن شده که راه رفع نگرانی ها - اگر اصالت داشته باشند - بازبودن دست آژانس اتمی و نیز مذاکرات سیاسی است. از این رو مقام های غربی سعی دارند آمل خود را در قالب پیش شرط (توقف غنی سازی) برای مذاکرات مطرح کنند که البته ناکارآمدی این پیش شرط نیز هرروز بیش از پیش نمایان می شود.

پس آنچه به واقع از میان رخت بر بسته، همان ادعای اول آنها یعنی تولید سلاح هسته ای توسط ایران است که از روز اول هم فاقد اصالت بوده و تنها بهانه ای برای متوقف کردن ایران در دستیابی به قابلیت فناوری صلح آمیز هسته ای به شمار می آید. تهیه سلاح اتمی همزمان با عضویت در معاهده NPT و زیر نظر آژانس اتمی، از اول هم پیشتر به شوخی شباهت داشت، هر چند برخی چون شبکه های CNN و فاکس نیوز یا گرو هک منافقین و هیات حاکمه آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی آن قدر آن را تکرار کرده بودند که شاید خود نیز باورشان شده بود. اما حالا ماهیت جدال در گرفته برای محروم کردن ملت ایران از یک حق و قابلیت علمی جلوه ای آشکارتر یافته است. جدالی که امروز یک سر آن در ایران، دولتی منسجم و قاطع قرار گرفته که بدون ترک میز مذاکره و با رعایت قواعد بازی و پایبندی به NPT و همکاری با آژانس، ترک کنندگان میز مذاکره را مجبور کرده در کنار راههایی چون اعمال فشار و تحریم، کماکان گوشه چشمی هم به میز مذاکره داشته باشند.

کشتار جمعی و هسته ای در عراق بر باد رفته است. طرح چنین اعترافات روشنی که از نتایج سیاست مقاومت هوشمندانه ایران در برابر انواع حمله های سیاسی و باج خواهی هاست، موجب شده تا خود سازمان های جاسوسی غربی نیز به فاصله داشتن ایران از تولید سلاح هسته ای اذعان کنند.

گزارش «جان نگر پوینته» مسئول ارشد اطلاعاتی و امنیتی آمریکا از فاصله ۳ تا ۹ ساله ایران با سلاح اتمی حکایت دارد. سازمان سیا نیز در گزارشی که به رسانه ها درز پیدا کرد، خاطر نشان نموده این سازمان در مورد سلاح هسته ای ایران یا تلاش این کشور برای دستیابی به آن، هیچ مدرک و سند معتبری در اختیار ندارد. در تمام گزارش های البرادعی مدیر کل آژانس درباره ایران - که آخرین آن در روزهای پایانی سال ۸۵ منتشر شد - بر عدم انحراف مواد و فعالیت های هسته ای ایران به سمت مقاصد نظامی تأکید شده و آنچه از آن به عنوان سؤال های بیشتر آژانس و نیاز این نهاد برای همکاری و شفافیت بیشتر طرف ایرانی یاد شده، با این پاسخ مواجه بوده است که در صورت بازگشت پرونده ایران از شورای امنیت به نهاد تخصصی و کمیته سیاسی آژانس، ایران آمادگی دارد تنها ظرف سه هفته هر آنچه البرادعی به آن نیاز دارد و همه پاسخ ها و دسترسی های تکمیلی را در اختیار تیم بازرسان او قرار دهد. از این روست که دیگر حتی گروه نوحفاظه کار حاکم بر کاخ سفید و متحدین آنها نیز به صراحت از نگرانی خویش از تسلط ایران بر یک قابلیت استراتژیک یعنی غنی سازی و تهیه سوخت هسته ای صحبت می کنند و مسأله سلاح هسته ای را تنها مانند یک عادت قدیمی هر از گاهی بر زبان آورده و اغلب می گویند نگران انحراف برنامه ایران پس از کسب قابلیت غنی سازی به سمت سلاح هستند. البته این نگرانی اصولاً درباره برنامه های خود آنها وجود دارد، خاصه آن که برنامه های آنها از ابتدا به سمت